

درباره‌ی پایان امپریالیسم امریکا

نوشته‌ی مایکل پروبستینگ (Michael Pröbsting)

ترجمه: سارا ظاهری

منبع: usa-imperialismen.gar.mot.slutet - Google Documenten

<https://links.org.au/end-us-imperialism-wall-street-journal-interviews-disillusioned-diplomat-richard-haass>

مصاحبه‌ی «وال استریت ژورنال» با ریچارد هاس (دیپلمات سرخورده) - 23 ژانویه 2024

مایکل پروبستینگ (نویسنده‌ی این مقاله) فعال سوسیالیست و نویسنده است. او سردبیر وب سایت زیر است که نسخه‌ای از این مقاله برای اولین بار در آنجا ظاهر شد:

[RCIT - RCIT - Revolutionary Communist International Tendency \(thecommunists.net\)](https://rcit-revolutionary.comunist-international-tendency.net)

وال استریت ژورنال (WSJ) - ارگان اصلی طبقه‌ی حاکمه ایالات متحده - اخیراً مصاحبه‌ی بسیار جالبی با ریچارد هاس (Richard Haass)، استاد سیاست خارجی منتشر کرده است. هاس در دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر در مقام کارمند ارشد پنتاگون کار می‌کرد؛ وی در کاخ سفید در طول ریاست جمهوری جورج اچ دبلیو بوش با همین موقعیت و در وزارت امور خارجه تحت ریاست جمهوری رونالد ریگان و جورج دبلیو بوش خدمت می‌کرد. هاس همچنین به مدت دو دهه (تا زمان بازنشستگی در تابستان 2023) ریاست شورای روابط خارجی را عهده‌دار بود که اندیشکده‌ی نیمه‌رسمی وزارت امور خارجه امریکاست^[1].

در این مصاحبه، هاس چشم‌اندازی ناامیدکننده از نظم جهانی امپریالیستی به‌طور کلی و نقش ایالات متحده به‌عنوان یک هژمون جهانی را به‌طور خاص ارائه می‌کند. از آنجاکه او مارکسیست نیست، بلکه نماینده‌ی پُرسابقه‌ی قدرتمندترین دولت امپریالیستی بوده است، نه تنها قادر به ارائه‌ی جایگزینی برای این قدرت جهانی نیست، بلکه توضیحی هم برای دلایل و چگونگی کاهش قدرت آمریکا ندارد. با این حال، این مصاحبه به‌دلیل این‌که از سوی یک سااستمدار خودی (از درون خود سیستم) بیان شده، از اهمیت بسیاری برخوردار است، و تأییدی بر تز مارکسیستی افول هژمونی ایالات متحده و در نتیجه پایان این هژمونی است^[2].



در ابتدای مصاحبه، WSJ از هاس در مورد کتاب او، *جهانی در آشفتگی*، که در سال 2017 منتشر شد، می‌پرسد: «اگر دنیا در آن زمان به هم ریخته بود، اکنون چگونه است؟» دیپلمات سابق پاسخ می‌دهد: «بی‌نظمی در پایه‌ها. وقتی کتاب منتشر شد، از من انتقاد کردند که خیلی منفی است. در گذشته، من به اندازه‌ی کافی منفی نبودم.» این مصاحبه ادامه می‌یابد:

WSJ: مبارزه دیکتاتوری در برابر دموکراسی، کاهش نفوذ ایالات متحده در امور جهانی و یا رشد چین، کدامیک از این عوامل موجب این آشفتگی است؟

HASS: همه‌ی این‌ها: ظهور چین، که هنوز یک قدرت [جهانی] نیست [و خواهان وضعیت موجود هم] نیست، نشان‌دهنده‌ی تغییر در تعادل است؛ روسیه‌ی بسیار ناراضی در موقعیتی قرار دارد که نسبت به این وضعیت می‌تواند کاری انجام دهد، همان‌طور که در اوکراین و در جاهای دیگر می‌بینیم؛ و [بالاخره] تغییر در توازن قدرت در سراسر جهان. بی‌نظمی داخلی در این کشور {ایالات متحده} قطعاً به این وضعیت کمک کرده است. ما توانایی کمتری داریم و به اقدام مؤثر در سطح بین‌المللی هم تمایل کمتری داریم. شکاف بین چالش‌های جهانی و پاسخ‌های جهانی به این چالش‌ها - [به عبارتی] جامعه‌ی بین‌المللی [هم‌گون] وجود ندارد.

این دیپلمات سابق (بهدرستی) ضعف بخش صنعتی داخلی را به‌عنوان یکی از دلایل افول ایالات متحده معرفی می‌کند: «موقعیت نسبی ما در سطح بین‌المللی ضعیف شده است، و این خود، باز هم به‌صعود دیگران بستگی دارد. ما در بخش دفاعی با تولید مشکل واقعی داریم.»

جای تعجب نیست که او دلایلی را که موجب تضعیف بخش‌های بزرگی از صنعت داخلی (و نه تنها بخش نظامی-صنعتی) گردیده و به‌چین یا کشورهای دیگر منتقل شده را نمی‌بیند. کاهش نرخ سود برای شرکت‌های امریکایی و عدم وجود مقررات قابل توجه دولتی سرمایه‌داری نتیجه‌ی دهه‌ها نئولیبرالیسم که توسط تمام دولت‌هایی که هاس در سال‌های اخیر وفادارانه به‌آن‌ها خدمت کرده، از جمله دلایل وضعیت موجود است.

در مقابل، رژیم رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین - که سلطه‌ی الیگارشی‌ها در اقتصاد را با یک بخش سرمایه‌داری دولتی قوی (هرچند نه به‌اندازه‌ی چین) ترکیب کرده، روسیه را قادر ساخته که در طول یکی‌دو سال بخش نظامی-صنعتی خود را به‌طور قابل توجهی تقویت کند. ایالات متحده‌ی نئولیبرال، حداقل تاکنون نتوانسته به‌موفقیت مشابهی دست یابد^[3].

اوکراین را تسلیم کنید

هاس در این مصاحبه، همچنین دیدگاه خود را تکرار می‌کند که اوکراین باید یک‌پنجم قلمرو خود را برای برقراری صلح با پوتین به‌روسیه واگذارد.

هرچقدر هم که مطلوب است که اوکراین کل قلمرو خود را بازپس بگیرد، اما این اتفاق نخواهد افتاد. تا حدودی به‌این دلیل که روسیه می‌تواند خیلی بیش‌تر تولید کند. و، در کوتاه مدت، کره شمالی، ایران و احتمالاً چین به‌آن‌ها کمک خواهند کرد. اوکراین باید از استراتژی فعلی خود دور شود. ما نباید موفقیت را به‌عنوان آزادی‌سازی نظامی تمام قلمرو اوکراین تعریف کنیم، بلکه باید اوکراین را طوری تعریف کرد که به‌عنوان یک نهاد دائمی باقی بماند.

آن‌ها برای خلاصی از شر استراتژی تهاجمی که نمی‌تواند موفق شود، به‌یک استراتژی دفاعی که می‌تواند این کار را انجام دهد، باید تغییر جهت بدهند. من بر این گمانم که روسیه باید بسیار متفاوت باشد تا در ازای این‌که دیگر یک منفرد سیاسی و اقتصادی نباشد، به‌انجام معاملات متقابل تمایل داشته باشد. این فقط دیدگاه یک مفسر سیاست خارجی نیست، بلکه موضع رسمی دولت بایدن هم هست. هاس رهبری تیم ایالات متحده را برعهده دارد که از بهار 2023 مذاکرات محرمانه با مسکو را برای پایان دادن به‌جنگ در اوکراین هدایت می‌کند^[4].

صحبت هاس مبنی بر این‌که اوکراین باید «منتظر یک روسیه بسیار متفاوت باشد»، خیلی کلبی‌مسلكانه [و ساده‌انگارانه] است، به‌ویژه این‌که در همان مصاحبه، فقط چند جمله بعد، می‌گوید که

جانشین احتمالی «[پوتین] ممکن است کسی حتی بدتر از او هم باشد». به عبارت دیگر، دیپلمات سابق معتقد است که اوکراین باید از دست دادن مناطقی در شرق و جنوب خود را (که پایگاه صنعتی کشور نیز هست) بپذیرد.

ایالات متحده و اروپای غربی علاقه‌ای به حقوق ملی مشروع مردم اوکراین ندارند. در عوض، آن‌ها تلاش می‌کنند از جنگ دفاع ملی اوکراین برای پیشبرد منافع امپریالیستی خودشان با هزینه‌ی رقیب روسی خود استفاده کنند. بنابراین، سیاست انقیاد ولادیمیر زلنسکی به امپریالیسم غربی نمی‌تواند به فاجعه‌ای برای مردم اوکراین منجر نشود، چراکه اوکراین را به مانورهای سیاست خارجی در واشنگتن و بروکسل وابسته می‌کند.

سوسیالیست‌ها از همان ابتدا در مورد جنگ اوکراین موضع انترناسیونالیستی و ضدامپریالیستی اتخاذ کرده‌اند و از جنگ دفاع ملی اوکراین در برابر تهاجم پوتین حمایت می‌کنند و خواهان همبستگی بین‌المللی توسط جنبش کارگری شده‌اند. در عین حال، سوسیالیست‌ها تأکید کرده‌اند که جنگ اوکراین سیمایی دوگانه دارد. سوسیالیست‌ها تهاجم ارتجاعی پوتین را بدون قید و شرط محکوم می‌کنند و جنگ دفاع ملی اوکراین علیه امپریالیسم روسیه را مورد حمایت قرار می‌دهند. در عین حال، ما می‌دانیم که این جنگ با رقابت فزاینده بین ناتو و روسیه آمیخته است؛ سوسیالیست‌ها در این درگیری از هیچ‌یک از دو اردوگاه امپریالیستی حمایت نمی‌کنند [5].

اسرائیل نمی‌تواند حماس را نابود کند

یکی دیگر از جنبه‌های جالب مصاحبه‌ی هاس، دیدگاه بدبینانه‌ی او از ثبات در خاورمیانه است. در آغاز جنگ، پرزیدنت بایدن به طرز مضحکی ادعا کرد که «حماس بدتر از داعش است» و حمایت نامحدود واشنگتن از جنگ نسل‌کشی [مردم] اسرائیل توسط فلسطینی‌ها در غزه را اعلام کرد. با این حال، هاس نسبت به شانس اسرائیل برای دستیابی به هدف شکست مقاومت در فلسطین خوشبین نیست.

WSJ: هدف اعلام شده دولت اسرائیل نابودی حماس است. آیا می‌توان حماس را نابود کرد؟

HASS: نه. ممکن است حماس به‌طور جدی تضعیف یا تخریب شود. اما حماس به همان اندازه یک شبکه [اجتماعی]، و یک جنبش است. [بنابراین] اسرائیل همیشه با مقاومت مسلحانه واقعی یا بالقوه روبرو خواهد بود.

هاس همچنین اذعان دارد که هیچ چشم‌انداز جدی برای ثبات در خاورمیانه وجود ندارد.

WSJ: پس، مسیر پیش روی این درگیری چیست؟ پایان بازی چگونه است؟

HASS: فکر نمی‌کنم در حال حاضر پایانی در چشم انداز باشد، زیرا اسرائیل با چنین برنامه‌ای وارد عمل نشده است.

در این مورد می‌توان به دو موضوع مهم پرداخت. آن‌ها می‌توانند قدرت حماس را کاهش دهند و این کار را خواهند کرد. در عین حال، تلفات غیرنظامیان هولناک خواهد بود، که موضوع گفتگوی جداگانه‌ای است. اما برای این‌که برای این بازی پایان واقعی وجود داشته باشد، به یک مقام حاکم و یک تأمین‌کننده امنیت نیاز داریم. من هیچ‌کدام را در دسترس نمی‌بینم. اسرائیلی‌ها باید این کار را انجام دهند...»

WSJ: اما شما در داخل دولت ایالات متحده کار کرده‌اید که برای دهه‌ها گفته است: «نه، راجل دو دولت است». آیا اینک راجل دو کشور زنده‌تر یا مرده‌تر از 6 اکتبر است؟

HASS: این راجل در حال احتضار است. در حال تنفس مصنوعی گرفتن است. و دلیلش این است که هر چقدر هم که روابط اسرائیل و فلسطین در ۶ اکتبر بد بود، اکنون بسیار بدتر شده است.

باز هم، هاس هیچ چشم‌اندازی ندارد و نمی‌تواند داشته باشد، زیرا هدف او برقراری مجدد هژمونی امریکا و اسرائیل در منطقه است.

در واقع، تا زمانی که دولت استعماری شهرک‌نشین اسرائیل وجود داشته باشد، هیچ صلحی وجود نخواهد داشت؛ زیرا این کشور به دلیل ماهیت خود، حق تعیین سرنوشت ملی مردم فلسطین را انکار

می‌کند. تنها راه حل این است که دولت صهیونیستی را با ابزارهای انقلابی با یک کشور فلسطینی از رودخانه تا دریا جایگزین کنند تا بتواند برای مردم فلسطین حق بازگشت به سرزمین‌شان را تأمین کند [16]. چنین دولتی باید دموکراتیک و سکولار باشد؛ یعنی، با همه‌ی شهروندان بدون در نظر گرفتن پیشینه‌ی مذهبی یا قومی‌شان برابر رفتار کند. یهودیان می‌توانند حقوق کامل در مذهب و فرهنگ خود داشته باشند. چنین دولتی باید جمهوری کارگران و دهقانان فقیر به‌عنوان بخشی از یک فدراسیون سوسیالیستی برای کل منطقه باشد. فقط دولتی که انحصارات و میلیاردرها را مصادره کند می‌تواند تضمین کند که فلسطینی‌ها زمین و خانه‌های خود را پس می‌گیرند. فقط یک اقتصاد سوسیالیستی می‌تواند برنامه‌ای برای بازسازی غزه و کرانه‌ی باختری ایجاد کند؛ و ثروت را به‌طور مساوی بین تمام شهروندان توزیع کند. درحالی‌که ارتش اسرائیل تلاش می‌کند مقاومت فلسطینی‌ها را از بین ببرد و مردم را از غزه بیرون براند، همه‌ی سوسیالیست‌های واقعی باید بدون هرگونه قیدوشرطی از مبارزه نظامی حماس علیه مهاجمان صهیونیست، بدون حمایت سیاسی از برنامه‌ی ناسیونالیستی-اسلامی و خرده بورژوازی آن‌ها حمایت کنند [17].

نظم جهانی امپریالیستی بدون نظم و بدون هژمون

این مصاحبه تأییدی جامع بر این تز مارکسیستی است که نقش هژمونیک امپریالیسم امریکا به‌پایان رسیده است. مسلماً ایالات متحده که هنوز یکی از دو ابرقدرت بزرگ و چین به‌عنوان قدرت دیگر است، می‌تواند بیش از بسیاری از دولت‌های دیگر بر سیاست جهانی تأثیر بگذارد. اما برخلاف دوره‌ی تاریخی پس از 1945، دیگر بر نظم جهانی سرمایه‌داری تسلط ندارد [18].

هیچ هژمون دیگری قرار نیست جای ایالات متحده را بگیرد، حداقل تا آنجایی که قابل پیش‌بینی است. در واقع، هیچ قدرت بزرگی وجود ندارد که بتواند بر سایر دولت‌های امپریالیستی تسلط داشته باشد (برخلاف سال 1945 که ایالات متحده توانست رهبری بلامنزاع خود را بر اردوگاه سرمایه‌داری تحمیل کند) [19].

در عوض، ما وارد دوره‌ی تاریخی شده‌ایم که در آن چندین قدرت امپریالیستی-ایالات متحده، چین، روسیه، اروپای غربی و ژاپن-برای هژمونی با هم رقابت می‌کنند. نتیجه‌ی این تحول، تسریع بی‌ثباتی جهانی، جنگ و بحران اقتصادی است. جنگ‌های جاری در اوکراین و غزه، به‌علاوه‌ی انواع مختلف تنش‌ها در سایر نقاط کانونی (تایوان و دریای چین جنوبی، شبه جزیره‌ی کره، ونزوئلاگویان و غیره) نشانه‌هایی از این گرایش است.

پدیده‌ی «نظم جهانی چند قطبی» از طریق تبلیغات دولتی در چین، روسیه و بسیاری از چپ‌ها به‌ویژه در اشکال مختلف استالینیست‌ها و سوسیال دموکرات‌ها به‌خورد مردم داده می‌شود. آن‌ها ادعا می‌کنند که اگر ایالات متحده به‌عنوان تنها هژمون توسط چندین قدرت بزرگ جایگزین شود، به‌جهانی با ثبات و صلح‌آمیز منجر خواهد شد.

این تبلیغات کاملاً مزخرف است. وجود چندین قدرت بزرگ سرمایه‌داری، که هیچ‌یک از آن‌ها به‌اندازه کافی قوی نیستند که دیگران را تحت سلطه‌ی خود درآورند، تنها می‌تواند منجر به افزایش رقابت میلیتاریستی و جنگ شود. نیمه اول قرن بیستم این موضوع را به‌خوبی نشان داده است [10].

به‌طور عینی، مفهوم «نظم جهانی چند قطبی» ابزار تبلیغاتی امپریالیسم شرقی است، زیرا ظهور چین و روسیه را به‌عنوان قدرت‌های بزرگ تجلیل می‌کند. سوسیالیست‌ها نباید بین نظم جهانی تحت سلطه یک دزدامپریالیست یا نظمی که تحت سلطه چندین دزدامپریالیست است، یکی را انتخاب کنند.

این‌که ما علیه نظم جهانی امپریالیست «تک قطبی» بودیم به‌این دلیل نبود که «تک قطبی» بود، بلکه به‌این دلیل بود که آن «تک قطبی» [صرف‌نظر از «تک قطبی» بودنش] امپریالیست بود. ما بین یک نظم امپریالیستی «تک قطبی» و «چند قطبی» یکی را انتخاب نمی‌کنیم - ما با هر دو یکسان مخالفیم، زیرا همه‌ی امپریالیست‌ها «بدتر هستند».

برای سوسیالیست‌ها، بدیل نظم جهانی امپریالیستی «تک قطبی»، [نظم جهانی امپریالیستی] «چند قطبی» نیست، بلکه مبارزه طبقاتی بین‌المللی علیه تمام قدرت‌های بزرگ است تا هر شکلی از نظام امپریالیستی را با سوسیالیسم بین‌المللی جایگزین کنند. صلح، رفاه و ثبات تنها می‌تواند در دنیایی بدون یک سیستم غارتگر، یعنی دنیای بدون سرمایه‌داری، به‌دست آید.

منابع:

[1] جerald Seib (Gerald Seib): «دنیایی در آشفتگی؟ یک دیپلمات قدیمی می‌گوید این بدتر از آن است. ریچارد هاس دیدگاه خود را درباره‌ی جنگ‌های اوکراین و اسرائیل و چشم‌انداز چین ارائه می‌دهد»، وال استریت ژورنال، 15 دسامبر 2023. همی نقل‌قول‌ها از این مصاحبه هستند، البته چنانچه به‌نحو دیگری ذکر شده باشد:

[A World in Disarray? A Longtime Diplomat Says It's Worse Than That - WSJ](#)

[2] مایکل پروبستینگ: ضدامپریالیسم در عصر رقابت قدرت‌های بزرگ. عوامل تشدید رقابت بین ایالات متحده، چین، روسیه، اتحادیه اروپا و ژاپن. نقدی بر تحلیل چپ و طرح کلی دیدگاه مارکسیستی، کتاب‌های RCIT، وین 2019:

[Anti-Imperialism in the Age of Great Power Rivalry - RCIT - Revolutionary Communist International Tendency \(thecommunists.net\)](#)

[3] مایکل پرابستینگ: «امپریالیسم روسیه و انحصارات آن»، در: سیاست جدید (زمستان 2022، جلد هجدهم، شماره 4، شماره کل 72):

[Russian Imperialism and Its Monopolies - New Politics](#)

[4] مایکل پرابستینگ: «ایالات متحده برای فروش اوکراین آماده می‌شود. در مورد مقاله‌ی افشاگرانه ریچارد هاس و چارلز کوچیان در "Foreign Affairs"»، 22 نوامبر 2023:

[U.S. Prepares for Sell-Out of Ukraine - RCIT - Revolutionary Communist International Tendency \(thecommunists.net\)](#)

[5] مایکل پروبستینگ: «آیا کمک‌های ایالات متحده به اوکراین واقعاً «بی‌سابقه» است؟ مطالعات جدید اسطوره‌ای را که توسط حامیان امپریالیسم غربی و روسیه تبلیغ می‌شود را نابود می‌کند»، 4 آوریل 2023:

[Is US aid to Ukraine really 'unprecedented'? New studies destroy the myth propagated by supporters of Western and Russian imperialism | Links](#)

مایکل پرابستینگ: «تخریب عظیم جامعه اوکراین»، 15 دسامبر 2022:

[The gigantic destruction of Ukrainian society | Links](#)

[6] این دو کتاب از رفیق یوسی شوارتز را ببینید، یهودی ضدصهیونیستی که نزدیک بهشش دهه در فلسطین اشغالی زندگی کرده و به‌طور گسترده‌ای به‌دولت صهیونیستی و برنامه‌ی مارکسیستی پرداخته است: جنگ‌های صهیونیستی. تاریخچه‌ی نهضت صهیونیستی و جنگ‌های امپریالیستی، 1 فوریه 2021:

[The Zionist Wars - RCIT - Revolutionary Communist International Tendency \(thecommunists.net\)](#)

فلسطین و صهیونیسم تاریخ ستم بر مردم فلسطین. گزارشی انتقادی از افسانه‌های صهیونیسم، کتاب‌های RCIT، وین 2019:

[Palestine and Zionism - RCIT - Revolutionary Communist International Tendency \(thecommunists.net\)](#)

[7] مایکل پرابستینگ: «تغییر عظیم در افکار عمومی: جنگ اسرائیل علیه غزه و جهان عرب»، 20 دسامبر 2023:

[A huge shift in public opinion: Israel's war on Gaza and the Arab World | Links](#)

[8] مایکل پروبستینگ: «امپریالیسم، رقابت قدرت‌های بزرگ و استراتژی انقلابی در قرن بیست‌ویکم»، 1 سپتامبر 2023:

[Imperialism, Great Power rivalry and revolutionary strategy in the twenty-first century: Interview with Michael Pröbsting | Links](#)

مایکل پرابستینگ: «امپراتوری‌گرایی در مقابل تحلیل مارکسیستی امپریالیسم: ادامه بحث با کلودیو کاتز (اقتصاددان آرژانتینی) درباره‌ی رقابت قدرت‌های بزرگ، امپریالیسم روسیه و جنگ اوکراین»، 3 مارس 2023:

['Empire-ism' vs a Marxist analysis of imperialism: Continuing the debate with Argentinian economist Claudio Katz on Great Power rivalry, Russian imperialism and the Ukraine War | Links](#)

«روسیه: یک قدرت امپریالیستی یا یک "امپراتوری غیرهژمونیک در دوران بارداری"؟ پاسخی به کلودیو کاتز اقتصاددان آرژانتینی»، سیاست جدید، 11 اوت 2022:

[Russia: An Imperialist Power or a “Non-Hegemonic Empire in Gestation”? A reply to the Argentinean economist Claudio Katz An Essay \(with 8 Tables\) - New Politics](#)

[9] مایکل پروبستینگ: «آیا چین می‌تواند جایگزین ایالات متحده به‌عنوان هژمون شود؟» - یک سؤال گمراه‌کننده! در مورد بحث در باره دیدگاه‌های قدرت‌های بزرگ رقیب، 28 آوریل 2023:

[“Can China Replace the U.S. as Hegemon?” - A Misleading Question! - RCIT - Revolutionary Communist International Tendency \(thecommunists.net\)](#)

[10] مایکل پروبستینگ: «نظم جهانی چند قطبی» = چند امپریالیسم. نقد مارکسیستی مفهومی که پوتین، شی، استالینسم و "انترناسیونال مترقی" از آن حمایت می‌کنند» (لولا، سندرز، واروفاکیس)، 24 فوریه 2023:

[BRICS+: An imperialist-led alliance | Links](#)